

عشق به وطن و مردم، تنها باید شعار باشد...؟

مسلمانان در مورد حب وطن که جز ایمان است بیشتر باور داشته، خاصاً افغانان در حفظ خاک و عشق به میهن، با ایثار جان و مال آنچه مادر وطن انتظار داشته است، سرسختانه از کشور اجدادی شان دفاع نموده اند. یک‌ده بی خبر از خدا، غافل بودند که ذات اقدس سبب ساز میگردد، تا به وسیله ای (ویکی لیکس) چهره های بعضی از معامله گران و دشمنان این سرزمین به رسوایی کشانیده میشود. تا کسانی که در حق این ملت رنجیده، همچو خیانت های را با آوردن نفاق مرتکب میگرددند در جهان معرفی دارد.

دفاع از میهن حق هر انسان بوده، همه مردم جهان از خاک و میهن خود سرسختانه دفاع مینمایند. سپاهیان گمنام و هم اشخاصی که در راه حصول و حفظ استقلال شان جان باخته اند تعداد شان زیاد میباشد که از بسیاری آنها نامی در تاریخ بجا نمانده است، یعنی گم نام به دنیا آمده و گمنام از دنیا رفته اند. جوانان وطن دوست که آینده ساز کشور میباشند، تعدادی آواره به کشور های بیگانه گشته اند، بعضی هم بی روزگار بخاطر رهایی از درد و رنج و برای لحظه ای آرامش روانی به مواد مخدر پناه برده اند. برای نجات وطن سعی باید کرد تا جامعه از خطر تهاجم سیاسی و فرهنگی همسایه ها نجات پیدا کند، و اولتر از همه جلو تقلید از فرهنگ دیگران که زیانش به نسل های آینده میرسد گرفته شود.

ایران تلاش دارد تا کلمات عربی را بنام (زبان بیگانه) از زبان خود دور ساخته، مثلاً کلمه (تشکر) را بیگانه میدانند و بجای آن کلمه (مرسی) را که آنهم فرانسوی و بیگانه است با افتخار زیاد روزمره استعمال مینمایند. ولیکن برای افغانان بسیاری لغات و کلمات عربی بیگانه حساب نمیشود، زیرا در زبان قران با آن کلمات آشنایی کامل دارند. تقلید کورکورانه از فرهنگ دیگران کار عاقلانه نخواهد بود، یعنی کلمات عربی که از همان آغاز آمدن اسلام در افغانستان جز فرهنگ زبان گردیده است و مردم با آن کاملاً آشنا میباشد، اگر از زبان اصیل دری کشیده شود، اشتباه بزرگ خواهد بود.

چه ضرورت خواهد بود تا بجای سال شمسی سال خورشیدی بگویم و عوض زلزله (زمین لرزه) گفته شود. یا بجای طیاره هواپیما و غیره. در صورتیکه به همه آنها قبلاً عادت کرده و احساس بیگانگی با آن نمیکنیم.. ایرانی ها سید جمال الدین افغانی را اسدآبادی که محلی در ایران است مینامند تا این شخصیت نامی افغان را که هویت اصلش از اسد آباد کثر میباشد به ایران نسبت داده باشند. ولیکن در ترجمه کتب خارجی چاره ندارند جز آنکه حقیقت را بیان داشته (افغانی) ترجمه نمایند.

اگر غفلت از خود افغانان باشد، باید توجه صورت گیرد تا دوست و دشمنان را بهتر شناسایی کرده، در غیر آن نتنها قلب مادر وطن داغدار خواهد شد، بلکه سبب ادامه نفاق و فساد بیشتر درین کشور نیز خواهد گردید، که باید در برابر آن محتاط بود.

کشور های اسلامی به خصوص همسایگان بجای اتفاق و حمایت از هموع و همدین خود متاسفانه دشمنی و خیانت شانرا در برابر این ملت رنجیده بیشتر ساخته اند.

کشور پاکستان خاکش را در اختیار متجاوزین در زمان طالبان برای سرکوبی بن لادن قرار داد. یعنی از بندر کراچی مناطق سرحدی افغانستان، خانه های مردم بی دفاع و مظلوم مورد اصابت فیر راکت قرار گرفت که باعث تلفات زیاد جانی و مالی گردید. و بعداً سخنگوی قصر سفید با بی تفاوتی گفت، تعداد از خانه های تخریب شده، همه از گل ساخته شده بود، یعنی ارزش نداشت که در باره آن سر و صداها بلند شود. در حالیکه آن خانه های گلی برای همان قریه و مردم مصیبت دیده حیثیت (قصر سفید) را داشت.

ملت های غیر اسلامی در راه عشق به وطن و مردم، نتنها درجهت مناقع و حاکمیت ملی خود مبارزه نموده اند، بلکه برای اعاده حقوق مردم کشور های تحت (استعمار) خدمات شایانی نموده و با تظاهرات و دادن شعار های ضد جنگ پیام صلح را به جهانیان نیز رسانیده، چنانکه بخاطر جنگ ویتنام - لبنان - فلسطین - عراق و افغانستان صدای آن ملت های مظلوم را به گوش جهانیان همواره رسانیده اند.

پس چه شده است ملت یک پارچه افغان را که صرف برای نجات کشور خود باهم اتحاد و اتفاق نتوانند. تا از دیدن اشک یتیمان بر رخسار خاک آلودشان و طفل وحشت دیده از جنگ که با صدمات روانی قدرت حرف زدن را از

دست داده است و درد های دیگر اجتماعی، قلب مادر وطن را بیشتر ازین نرنجانده، تا این کشور از ظلم ظالمین نجات پیدا کرده، یعنی عشق به وطن و مردم را برای خود و جهانیان ثابت گردانیده باشند.

(وزیر دفاع ایالات متحده در یک صحبتش گفت: ما به اینجا برای آبادی شهر ها نیامده ایم، بلکه بخاطری آمدیم که از اینجا بالای ما حمله صورت گرفته است.) پس برای شناخت این سیاست مداران تشنه به خون ملت بیگناه بیشتر دقت باید کرد، تا چهره های رسوا شده آنها بیشتر شناسایی گردد.
آمده است:

زمانیکه انگلیسها برای مقاصد استعماری (کمپنی های تجارتي) شان یعنی در ظاهر بنام نجات مردم هندوستان به آنجا رفته بودند، در جمع نظامیان یک جنرال با ایمان که بعدا از وظیفه اش کناره گیری نمود، از اینکه اهداف این سیاستمداران ظالم در ظاهر نجات مردم هندوستان از فقر و بدبختی عنوان شده بود، اما در عقب پرده انگلیس ها روی پلان جنگ جهانی و تجزیه هندوستان کار مینمودند، جنرال را سخت ناراحت ساخت، زیرا درین معامله گرچه به منافع کشورش انگلیستان تمام میشد، چون با خون مردم مظلوم بیگناه گره خورده بود، احساساتش را تحریک نمود تا وظیفه اش را ترک بگوید. بعد راهی صحرای عربستان گردید و در کتابش از اینکه چگونه در زیر خیمه ها سیاه در طوفان صحرا بطرف آسمان نگاه میکرد و خود را با خداوند نزدیک تر و در زندگانش راحت میدید نیز یاد آور شده بود.

وقتیکه یک انسان با ایمان به صدای وجدان چنان پاسخ میدهد که حتی از مقام و منافع خود میگذرد و دل خود را فقط به یک چیز خوش میسازد که آن عبارت از رضای پروردگارش میباشد. ولیکن یکعده از مسلمانان بخاطر جاه و مال با زندگی مردم مظلوم بازی میکنند و از قهر خداوند هم خوف در دل ندارند.

هرگاه بازی کنان دو تیم مختلف فوتبال را در یک میدان مسابقه در نظر بگیریم، هر تیم کوشش میکند تا امتیازات بیشتر برای تیم خود بدست آورد، و اگر آنها در مسابقات بین المللی اشتراک نمایند، چون منافع ملی کشور شان در میان میباشد، رقابت های داخلی تیم ها را کنار گذاشته، در دفاع از تیم کشور و در شکست دادن تیم رقیب سرسختانه تلاش می نمایند، تا با سرفرازی جام پیروزی را بدست آورده، افتخارات و امتیازات بیشتر برای وطن کمایی و بیرق کشور شان را در جهان بلند داشته باشند.

مطلب فوق به ما میرساند که هرگاه در داخل کشور هر نوع اختلاف هم اگر موجود باشد که باید نباشد ولیکن در برابر دشمنان وطن و بیگانگان چنان در اتحاد و اتفاق باهم فرار گرفته، تا گول حریفان بر ملت ما نخورد. کشورهای راه گم مانند افغانستان که سیاستمداران آن با عمل کرد های غیر مسولانه در برابر مردم و کشور بدون خواست های ملت عمل میکنند، یعنی با افراد که در برابر دین و ملت مظلوم، با خیانت های آشکار و پنهان نزد مردم معلوم الحال هستند، و تعداد هم خواب تجزیه را می بینند یعنی درد مردم و کشور را در نظر نمیگیرند. آیا خداوند تعالی این اعمال شانرا نادیده گرفته و آنها را خواهد بخشید و به پیروزی خواهد رسانید...؟

کسانیکه با آوردن تفرقه و کشتن مردم بیگناه خود را به مقام میرسانند، هرگز قابل بخشیدن نزد خداوند و این ملت مظلوم نمیباشند، تا باز هم برسر قدرت تکیه زنند، و باید از شکست و رسوایی در برابر خداوند و مردم بترسند.

بدبختانه کشور ما افغانستان به یک میدان مسابقات بزرگ میماند که با دو دروازه نه، بلکه با چهار دروازه های گول (ایران - پاکستان - چین - و روسیه) طرف میباشد، که دو نظارت گر بزرگ بین الملل مانند انگلیس و امریکا مسابقه را از نزدیک (پایگاه نظامی امریکا در بگرام) و از دور یعنی (پنتگان و قصر سفید) تماشا و نظاره میکنند. البته نتیجه این مسابقه خطرناک را بهتر و بیشتر از همه خود مردم رنج دیده افغان پیش بینی کرده میتوانند. فرزندان دلسوز و وطن دوست کشور، باید با درک مسولیت ازین واقعیت ها، باهم متحد شده و هرگونه اختلافات و خصومت ها که در اسلام جای ندارد در چنین موقع حساس کنار گذاشته تا وطن را ازین بلا های نازل شده نجات بخشند، در غیر آن خطر گول زدن دشمن هر لحظه تن این مادر وطن را به لرزه خواهد آورد.

زمانیکه وضعیت سیاسی بین کشور هندوستان و پاکستان روی قضیه کشمیر تیره شده بود. معاون وزیر دفاع امریکا در زمان آقای بوش ملاقات با ریس جمهور هند انجام داده و پیشنهاد کرد تا اگر بخواهند امریکا عساکر صلح را در کشمیر جابجا سازد که از طرف ریس جمهور هندوستان با قاطیعت رد گردید. زیرا از نیت و اهداف امریکا کاملا آگاه بود که آنها نه برای صلح در منطقه جنگ زده می آیند، بلکه پلان و اهداف اساسی آنها جابجا ساختن پایگاه نظامی امریکا در کشمیر با سرحدات چین میباشد، درآنصورت وحدت و منافع ملی کشورش (هند) را با خطر مواجه خواهد ساخت. کشور پاکستان همچنان از زیرکی امریکا کاملا آگاه بود، یعنی خودش در شیطننت استاد ماهر بود و در مورد (افغانستان) به امریکا پیشنهاد نمود تا با دست آزاد هرآنچه که کرد، ولیکن هیچگاهی در خاک پاکستان عساکر

نظامی را داخل نسازد. به همین خاطر از طیارات بدون پیلوت امریکا بالای سرحدات و در خاک پاکستان استفاده نموده است.

امریکا با همه قدرت و سیاست های فریبکارانه اش به همان اندازه که در جهان در گذشته محبوبیت داشت به همان اندازه امروز از اعتبارش نزد مردم جهان کاسته شده، به خصوص که درین اواخر اسناد محرمانه وزارت دفاع انگلشور افشا و به دسترس مردم در سراسر جهان از طریق (انترنت) قرار داده شده است، که غیر قابل انکار میباشد.

ریکی مارتن خواننده مشهور، که در سال ۲۰۰۰ به اوج شهرت خود رسیده بود، خواست تا ازین موقف هنری اش در راه خدمت به مردم و میهن اش استفاده نماید، به ملاقات جورج بوش رفته عرض نمود، تا آزمایش ها و تمرینات نظامی که در اطراف مملکت شان جریان دارد توقف داده شود. زیرا آب و هوای آنجا را آلوده ساخته و به صحت مردم از این ناحیه آسیب رسیده است. البته جورج بوش برایش وعده داد، زمانیکه جای مناسب دیگر برای آزمایشات (انواع اسلحه) خود پیدا نماید، البته این خواهش را برآورده خواهد ساخت.

بله! جای مناسب تر از افغانستان دیگر کجا بود، که قبلا پلان و نقشه شده و منتظر فرصت بودند، یعنی (یازدهم سپتمبر و آغاز حمله بر افغانستان).

در آنوقت شخصیت های ملی و صاحب نفوذ هم اگر بودند، در قضیه افغانستان خموشی اختیار نمودند تا به موقف سیاسی و اجتماعی شان صدمه وارد نگرند.

آزمایشات انواع سلاح های کشنده که در ظاهر بنام از بین بردن طالب راه اندازی شده بود، و متأسفانه تا به امروز همچنان ادامه پیدا نموده است. اشخاص دلسوز و وطن دوستان واقعی که در برابر صدمات که ازین ناحیه چندین نسل را متضرر خواهد ساخت بایست جلو گیری مینمودند تا داستانهای تراژیدی از مردم مصیبت دیده ما قصه و افسانه برای مردم جهان نمیگردید. در کشورهای مانند عراق و دیگر جاها نیز این جنگ ها تاثیرات خراب و غم انگیز بالای روح و روان مردم از خود بجا گذاشته است.

در آنموقع یکعده مردم بخاطر پول و مقام چند روز دنیا به قوای ناتو کف میزدند و آفرین میگفتند. دو گروه از بازی کنان درین صحنه وحشت آور یکی (طالبان) در حال فرار و دیگری (ائتلاف شمال) برای گرفتن شهر کابل مصروف بودند و از طریق دستگاه های مخابره رادارها همدیگر خود را دشنام و طعنه میدادند.

در حالت کنونی که کشتار های ظالمانه از دو جانب ناتو و طالبان مردم مظلوم ما را زیاد خسته و پریشان ساخته است برای روشنی بیشتر در مورد (طالبان) روی یکی دو موضوع که شاید کمتر بحث شده باشد مختصراً اشاره میکرده، تا گذشته از مسایل زن ستیزی که در دوره طالبان به اوج خود رسیده بود و بسی از مسایل دیگر، باید بدانیم که آیا آنها بخاطر پیاده کردن ایدولوژی خود به چنین اعمال خشونت بار رو آورده بودند و یا به دستور بیگانگان؟

۱ - طالبان در آغاز گفتند، کشت و استعمال (تریاک) در شریعت اسلام حرام است و لیکن بعدها نظر شان **تغییر** نمود، زیرا بهترین عایدات (مالی) از آن حاصل میگردید، خاموشانه به کشت و قاچاق آن اقدام نمودند که به حیات هزاران هموطن خود ما نیز زیانش رسیده است و بعداً نام شریعت اسلام را از آن حذف کردند.

۲ - طالبان ویدیوها، کست ها و تلویزون های مسلمانان را با تهدید و فشار از دکانها و خانه های مردم جمع آوری میگردند که داشتن و دیدن آن برای مسلمانان حرام است، ولیکن توسط لاری ها در بازار های پشاور که آنهم کشور اسلامی بود به فروش میرسانیدند. فلم مستند از آن در همان سال گرفته شده است.

پس چگونه میتوان اعتماد کرد، آنها که به چنین اعمال ظالمانه دست زده اند، مسلمان بوده باشند و آنهم افغان و فرزند صدیق این وطن؟؟ به امید توفیق و یاری خداوند